

دانشگاه علم و صنعت ایران
دانشکده مهندسی عمران

معماری، سنتی یا مدرن؟

استاد کرامی: دکتر امامی

دانشجو: محمد مهدی مداح ۸۳۴۳۱۲۲۳

سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- فهرست مطالب:

۴	- مقدمه
۷	- معماری سنتی ایرانی
۱۳	- معماری مدرن
۱۵	- مبانی معماری مدرن ایرانی و پیامدهای آن
۲۰	- علل انفعال معماری سنتی در برابر مدرنیسم
۲۳	- راه حل های پیش رو
۲۴	۱- تقلید و تکرار الگوهای معماری سنتی
۲۵	۲- ترکیب معماری سنتی و مدرن
۲۶	۳- بازتعریف هویت معماری با تکیه بر اصول دینی و ملی و با توجه به نیازهای امروز انسان ایرانی
۲۹	- منابع و مآخذ

-مقدمه:

از پشت پنجره طبقه دهم آپارتمان لوکس و مجهز به تمام وسایل مدرن، غوغای ماشین و عبور مردم را تماشا می کند. حسی آیمخته از دلگسلی و بیقراری می آزاردش. از پشت پنجره به سرسرای مجلل و کرافتیمت برمی گردد. بی حوصله روی مبل می نشیند و...
 در پارکینگ اتوبیلش را روشن می کند و به خیابان می رود. سر از کوچه باغ های باقی مانده شمالی شهر در می آورد؛ کوچه ها برخی هنوز خانه های بزرگ و پر در و دخت دارند. اما در بعضی کوچه ها آپارتمان های بلند طبقه بر بناهای کوتاه اطراف سایه زده اند. برخی خانه ها در حال تخریب هستند... سکوت غریبی وجودش را تسخیر می کند. پنداری دنبال همزبانی می گردد... از محله های قدیمی شمال شهر بیرون می آید... راهش را به سمت جنوب شهر تغییر می دهد. حوالی سرچشمه ماشینش را پارک می کند. کوچه بغل شیرینی فروشی را می گیرد و آرام

پیش می رود. با هر گام بخشی از خاطرات دوران کودکی خود را به یاد می آورد. خانه ها بیشتر با همان حیاط و حوض درخت هستند. کوچه به کوچه معماری های بومی را می کاود...

هنوز و پنهان هر یک از مباحث نوع تفکر، سلیقه و دانش کلاسیک در گذرگاه های شهری و قریب نگران ها به ساختمان های با معماری سنتی- بومی می افتد. خطایات و مبهمیت شیوه، معماری گذشته در رعایت کاربردها و ملاحظات انسانی در بافت، ساخت و دوراندیشی های متناسب شرایط اقلیمی محلی می شود. همه حس و حواسمان به کاربری های مهندسی بومی- فرهنگی این بناها گره می خورد؛ خانه ها، عمارت اداری، بازار و بازارچه و تیمچه با بعضی باسقف های قوسی آجری و کجبری های دست ساخت و... هنوز هر یک از شهروندان در تهران و بسیاری از دیگر شهرها در کسره کشورمان از تماشای معماری های سنتی غرق در غرور، هنر، ظرافت اندیشه و باورهای آداب و سنن تنیده در اخلاق و اصالت های ملی- دینی می شود. برخی از این معماری ها را به سبب های خردسال و نوجوان خود نشان می دهند و می گویند این بناهای قدیمی سرمایه های پر شکوه معماری ما هستند، نسل ما در این خانه پر درخت و حوض دار و فضاهای روح پرور و مستقل زندگی کرده اند...

و حالاً... ما گرفتار اتاقک های آپارتمانی بدون روح و فضای مناسب شده ایم. امروز خانه های ویلایی بزرگ و کهن جای خود را به الگوهای کوچک، با متر از کوچک آپارتمانی داده که در دل برج ها و آسمانخراش های عظیم جای گرفته اند. بازارهای سنتی و سرپوشیده کلنی قدیمی با سقف های گنبدی و زیبا جای خود را به پاساژها و مراکز خرید بسیار بزرگ و چند طبقه با آسانسورها و پله های برقی داده است. فضاهای سبز وسیع خانه های قدیمی، محلات و خیابان ها، جمع و جور شده و در پارک ها و بوستان ها و حاشیه بعضی خیابان ها خلاصه شده است.

راه‌ها و جاده‌های باطراوت و خلوت در شکره، سواره‌رو و پیاده‌رو تبدیل به خیابان‌های شلوغ و پرترافیک چندبند و بلوارها و بزرگراه‌های وسیع شده است. انسان امروز به جای پیاده‌روی در حاشیه باصفای خیابان‌ها و گذر سواره از جاده‌های خلوت، در کسیر ازدحام، انبوه خیابان‌ها و بعضاً شلوغی اتوبوس‌های پر از جمعیت، بزرگراه‌های عظیم و شتاب‌مترو... است. هوای پاک و آسمان آبی و فضای سرسبز، کم‌کم به هوای آلوده و آسمان تیره، شلوغ و آغشته به صداها، برق‌ها و آثیر خود و مبدل شده است. از زندگی باصفا، خوش و آسوده‌یروز خبری نیست و انسان امروز در کسیر زندگی‌های پر زرق و برق، اما پردر سرو و ناآرام و پرهیاهو مبدل مشغولی‌های بسیار است. اما چرا به این نقطه رسیده‌یم؟ چه شده است که معماری سنتی ما یکنونه تحت تأثیر فرهنگ غربی هویت خود را از دست داده است؟ راه حل خروج از این انفعال چیست؟ آیا باید با تکرار و تقلید به همان معماری سنتی بازگردیم یا باید به فکر ترکیب دو معماری سنتی و مدرن باشیم؟ آیا یکنه باید با بازیابی هویت فرهنگی خود به اجرای معماری نوین برخاسته از هویت امروز ایرانیان بپردازیم؟

این پژوهش در صدد است تا پاسخی بر این پرسشهای اساسی بیاورد.

در این تحقیق، پس از بیان خلاصه‌ای در مورد معماری سنتی و معماری مدرن، به بررسی آثار سوء فرهنگ معماری مدرن بر معماری ایرانی و سپس علل انفعال معماری سنتی در برابر این هجوم پرداخته شده است. در پایان نیز راه حل‌هایی برای خروج از این بحران، ارائه گردیده است.

امید است استاد گرامی آقای دکتر امامی ضعفا و کاستی‌های این پژوهش را نادیده گرفته و بنده را از راهبانی‌های خود محروم نفرمایند.

- معماری سنتی ایرانی:

معماری ایرانی را که در طول تاریخ به وجود آمدنش توسط قوم آریافرنسنگ خاص خود را به جهان ارائه داده است، باید بطور صحیح از اعماق تاریخ این سرزمین کهن مورد بررسی قرار داد.

بطور کلی از لحاظ زمانی دوران معماری ایران را میتوان به شکل زیر تقسیم بندی کرد:

- معماری دوران ماقبل تاریخ تا زمان حکومت مادها.
- شیوه پارسی (هخامنشیان) سده ششم پیش از میلاد تا سده چهارم.
- شیوه پارتی (اسکانیان و ساسانیان) سده چهارم تا صدر اسلام.
- شیوه خراسانی (صفاریان، طاهریان، غزنویان و...) از ابتدای قرن چهارم تا پایان قرن چهارم.
- شیوه رازی (سامانیان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان) قرن پنجم تا اول قرن هفتم.
- شیوه آذری (ایلخانیان و تیموریان) از اول قرن هفتم تا اول قرن دهم.
- شیوه اصفهانی (صفویان، افشاریه، زندیه و قاجاریه) از اول قرن دهم تا اواسط دوره قاجاریه.
- معماری معاصر (پهلوی)، بعد از انقلاب اسلامی) از اواسط دوره قاجاریه تا کنون.



هر کدام از این دوران درگیرنده ی خصوصیات خاص خود هستند که شرح تمامی آنها موضوع این پژوهش نیست ولی برای مثال در مورد معماری دوران ماقبل تاریخ ایران میتوان گفت: "تاریخ نخستین مناظر کشف شده از ساختمان سازی در ایران، عمدتاً در بخش غربی، شامل خانه های کوچکی باشدوده ها، دیوارها و کف

های سنگی متعلق به حدود ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد، بقایای خانه های بزرگ ساخته شده از آجرهای دست ساز گلی در علی کش در غرب ایران مربوط به حدود ۵۸۰۰ تا ۶۲۰۰ سال پیش از میلاد، و کلبه های کوچک ساخته شده از شاخه درختان یا خشت خام بدون قالب گیری در سیالک در مرکز ایران در هزاره پنجم پیش از میلاد می باشد. در همان دوره، ساخت طاق ها متداول گشته بود. یکی از کهن ترین و بزرگترین آثار تاریخی ایران، که در آن از طاق های قوسی استفاده شده است، زیگورات چغازنبیل در نزدیکی شوش، پایتخت ایلامیان (هزاره سوم پیش از میلاد)، می باشد که در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد بنا شده است. این بنا شامل پنج برج مربع شکل هم مرکز با ارتفاعات متفاوت است. برج دونی در قسمت پایه مربعی به ضلع ۳۵ متر است، و ۵۳ متر، نصف طول ضلع پایه بیرونی ترین بخش، ارتفاع دارد و دارای مقبره ها، دالان ها، قوس ها، پلکان و زهکش های آب گذرانی است. بافراسیدن قرنهای نهم و هشتم پیش از میلاد، پیشرفت قابل توجهی در معماری استادانه و تبحرانه باسک و آجر در ناحیه شمال غربی حاصل شد. ساختمانهایی از چوب با پلان مربع و گاهی در چند طبقه به شکل برج بنا شدند.

از هفت شیوه معماری ایران سه شیوه مربوط به پیش از اسلام و چهار شیوه ی دیگر مربوط به دوره اسلامی می باشد. غربی ها برای شیوه های اسلامی نام های رایجی را به کار می برند مانند شیوه های اموی و عباسی. اما به نظر خیلی ها هیچ یک از کشورها و ملت ها یعنی ترک ها، عرب ها و... نمی توانند در معماری کشوری که پیشینه معماری چند هزار ساله دارد کار ساز باشند، زیرا آنها در آن زمان معماری ارزشمندی نداشته اند.

جنبه ی دیگر معماری سنتی ایران، سازگاری آن با شرایط اقلیم و آب و هواست که این وجه به همراه رعایت چهار ویژگی مهم معماری یعنی مردم واری (براساس نیازها و ابعاد انسانی)، خودبستگی (استفاده از مصالح بومی در معماری)، نیارش (فن اجرایی ساختمان) و پرهیز از پیودگی، بهترین مدل ها برای آسایش و آرامش انسان ارائه کرده است.

ما، پوشش و مصالح و... به کار رفته با میزان بارندگی، رطوبت و نیز آب و هوای خشک و گرمای هر منطقه سازگاری داشته و در عین حال اصالت معماری غنی کشورمان را به چشم و دل هر بیننده ای می نشاند است. در بناهای مسکونی، بخشی از نیازها و تجهیزات متناسب با وضعیت اقلیمی رعایت می شد و حتی ظروف غذاخوری مردمان از سفالی خاص متناسب با شرایط اقلیمی تهیه می گشت. در خصوص مسکن به عنوان نمونه در کرانه های کویر کاشان، نظیر کاشمر و شاهرود ساخت و ساز خانه ها همچنان به تناسب وضعیت اقلیمی این مناطق صورت می گرفت. یاد خواب و سیرجند ساختمانها به شکل معماری کنبندی و به وسیله کاهگل پوشش می شده است، به دلیل آن که حنکی فضای درون اتاق ها در تابستان تاین و نگهداری شود.



در معماری سنتی ایران توجه معماران و ساکنان به چرخش خورشید هم بوده بدین صورت آفتاب صبح و ظهر که روی بام های کنبندی شکل می تابیده تناسب با حرکت خورشید و مقدار تابش آن بوده است. لذا در طول تابستان و زمستان اعتدال نسبی کرم و سرما حاصل می شده است. از سوی دیگر، روی بامها منفذی تعبیه شده بود که در زمستان نیز از آن برای بهداشت و تهویه هوای ناشی از سوخت

کرمزایی درون اتاقها استفاده می شده است چرا که ساکنان خانه ها در فصل زمستان با استفاده از کودال مخصوص برافروختن آتش - کرمزایی در اتاق محیطشان را گرم می کردند. اما برای آن که از دود و گاز و بخار آتش که به حالت اخگر در می آورده اند، مصون بمانند، آن روزنه بالای بام (اتاق) به عنوان هواکش، کار تخلیه آلاینده های آتش درون چال داخل اتاق را انجام می داده است. روز که می شد، سرپوش آن روزنه را می بستند. به مرور چاله آتش به کنار دیوار اتاق منتقل و برای خروج دود و دودم آتش نیز دودکش در دیوار به چار محل آتش نصب می کردند. از دیگر تدابیر و ویژگی های مورد نظر در ساخت اماکن مسکونی و در خصوص فصل تابستان در نواحی کویر به ویژه سیستان، در محل دگانه اتاق (فضای باز مشرف به اتاق) ساکنان بوته خار می انباشتند و در بالای دگانه، مشک آب می آویختند آب به صورت قطره ای از مشک روی بوته خار می ریخت. در نتیجه وزش باد و نمدار شدن خار، فضای درون اتاق خنک می شد. این شیوه خنک کردن درون اتاقها در دو هزار سال پیش، بعداً - با مایشینی شدن بسیاری از وسایل - در قالب و شکل کولر به تقلید از «خارخانه» نمایان شد. در واقع ایرانیها ابداع کننده کولر بوده اند. اما در نواحی دیگر مثل یزد و کاشان بادگیرهایی روی بامها مرتبط با اتاقها ساخته می شد.

این بادگیرها از چهار سمت باز بودند به طوری که از هر چهار سو باد وارد اتاقها می شد. همچنین در داخل خانه ها حوض سنگی کوچک وجود داشته که هوای خشک را مرطوب و تلطیف می کرد و گلدانهای بیشتر از نوع شمعدانی اطراف به حوض گذاشته می شد. اصولاً حوض و گلدان و سبزه در اکثر خانه ها وجود داشت. بعضاً هنوز در خانه های قدیمی نسل معماری بومی - ایرانی وجود دارند.

خانواده های ایرانی در خانه های با معماری سنتی و با توجه به ترکیب بندی فضای داخلی، از آسایش بسیار بیشتری بهره مند بودند. صوت و صدا، گرما و سرما کمتر به درون اتاق ها نفوذ می کرد و فضای طراحی شده دارای چشم اندازهای بسیار مناسب بود. برخی مردم حتی در زمین محوطه خانه خود سبزیجات تنوعی پرورش می دادند. حیاط که یکی از عناصر معماری ایرانی است، حیاط مانده باغ ایرانی و باغ ایرانی نمونه ای - به تشبیه - از بهشت موعود است.

بررسی های کارشناسی نشان می دهد که مصالح به کار رفته در معماری سنتی کا، گل، چوب و گل بوده اند این شیوه هم با طبیعت و هم با طبع انسان همسازی دارند. این همسازی و همدلی تامین کننده آرامش بشر بوده است گرما، شور، نشاط، امید و امنیت خاطر خاصیت مصالح معماری سنتی است. طراحی ساختار بناهای سنتی طوری بوده است که فرد غریبه وقتی وارد خانه می شد، اول باید از یک دالان می گذشت، بعد وارد «هشتی» (به اصطلاح حیاط خلوت و یا پاکرد) می شد، پس منظره حیاط را از ته هشتی می دید که درخت و سبزه داشته است. در قسمت هشتی، خانه اجازه ورود به او داده می شد، بعد وارد حیاط و سپس بنا به نوع کاری که داشته یا به اندرونی یا به بیرونی راهنمایی می شد همان به اتاق پذیرایی هدایت می شد. اتاق پدر و مادر از بچه ها جدا همچنین آشپزخانه با فاصله از مکان مسکونی قرار داشت. یک طرف حیاط، تالار بوده که در مواقع هوای مناسب بهار و تابستان محل نشست و گفت و گوی افراد خانه بوده است.

تالار به عنوان یک اتاق به اصطلاح اوپن مورد استفاده قرار می گرفت نشست های خانوادگی در زمستان در اتاق پنجری بوده و جلوی محل تالار حوض با ماهیهای قشنگ و اطراف آن باغچه بوده و در فصل تابستان از این محل استفاده می شد.

زیرزمینهای خنک در این خانه ها بود، که در تابستان های گرم مورد استفاده افراد خانه قرار می گرفت و در حوضخانه آن میوه ها نگهداری می شد. در چنین خانه هایی متفاوت وجود داشته که افراد خانه هر کدام به فراخور حال و کار خود از آن فضاها استفاده می کردند. هیچ کدام مزاحم هم دیگر نمی شدند. این فضاهای متفاوت نیز مانع از دلزدگی و یکنواختی زندگی می شد و از بروز پرخاشگری، اضطراب، یاس و ناامیدی جلوگیری می کرد.

جنبه ی مهم دیگر معماری سنتی ایران درون گرا بودن آن است، لفظ درونگرا و برونگرا در چند کلمه بدین صورت بیان می شود که در خلق طرح بنا و اجرای آن الویت با فضای داخلی در نظر گرفته شود تا فضای بیرونی (در به کار بردن عناصری نظیر تزیینات، عوامل بصری و...) .

این انتخاب و گرایش در معماری ایرانی (اسلامی) ریشه در اعتقادات ایرانیان (که اکثریت مسلمان هستند) دارد. ایرانیان خواستار فضایی آرام برای خانواده ی خود به دور از هیاهو و مزاحمت دیگران هستند. ما می توانیم از درونگرایی برداشت مختلفی داشته باشیم. این واژه پیش از آنکه نوع نگرش در معماری باشد آشکارکننده ی دیدگاه اخلاقی و عرفانی هراقلیمی می باشد. تودار بودن گرایش به حالات درونی و پرهیز از نشان دادن آن حالات به صورت تطاهر، بعضی از این مفاهیم می باشد. در بحث معمارانه ی این واژه سپرداختن به

ظاهر و در عوض کار بردون معنا دارد. تا آنجا که در کلیت معماری ایرانی می توان خانه ها از نظر نامی بیرونی ساده و بی آرایش بوده و در عوض در درون عظمت و شکوه چشم نواز دارد.

- معماری مدرن:



یکی از بارزترین خصایص فرهنگی فلسفه معاصر، پدیده مدرنیته و به عنوان سبک تفکر، مدرنیسم است. اگر به علوم، فنون و هنرهای مختلف با دیدی محققانه نگریده شود، به راحتی می توان رد پای تفکر مدرن را در آن مشاهده کرد.

لغت مدرنیسم باریشه یونانی، نخستین بار، قرن ششم میلادی از کلمه *Modo* یعنی به تازگی استخراج شده و در نهایت به معنای تازگی به کار رفت. لغت مدرنوس، مربوط به آثار هنرمندانی می شد که به شکلی نو و بدون توجه به سابقه، هنری با خلاقیت های تازه، آثار جدیدی را خلق می کردند.

شاید لغت مدرن جزو معدود لغاتی باشد که به رغم پیچیدگی مفهوم، معنایی دیگر چون نوآوری و طرد گذشته را در خود مستتر دارد. اما اگر قرار باشد که مدرنیسم به عنوان گرایش جامعه شناسی و یک سبک هنری بررسی شود باید به یک قرن قبل بازگشت و روند تحولات آن دوره را مورد بررسی قرار داد. مدرنیسم بیش از ۱۵۰ سال قبل در اروپای غربی تبلور یافت و به عنوان الگویی که بانهاده، افکار و باورهای

سنتی مبارزه می‌کند مطرح شد. استفاده از ابزار فردباوری (راسیونالیسم) روش پیشرفت این نوع تفکر بود و نتیجه علی این نوع تفکر پیدایش انسان محوری باینش دنیوی است.

تختین خصوصیت در جوامع مدرن و به تعبیری در معماری مدرن، معادله مدرن سازی برابر با جهش های تکنولوژیکی است. این معادله در کشور های غیر مدرن به صورت مدرنی سازی برابر با غرب زدگی و این دو برابر با واردات تکنولوژی خود را عیان کرده است. تجربه نشان داده است که این امر به نابودی تمدن های قدرتمند و ارزش های ماندگار کشور های غیر مدرن منجر می شود.

واردات تکنولوژی در جوامع رو به پیشرفت به این دلیل مساله ساز است که این واردات ورود فزاینده مصرف و کاربرد آنها را به دنبال دارد به گونه ای که نمی توان از اتوبیل استفاده کرد و به چنان در بافت های ارگانیک زیست.

خصیصه دیگر جوامع مدرن و معماری مدرن، شناخت و تثلیث آن یعنی، تکنولوژی، تولید و مصرف است.

در این دیدگاه انسان تنها تولید کننده و مصرف کننده است، اما این تثلیث در جوامع غیر مدرن و به ویژه جوامع شرقی به شکل دیگری نمایان است.

تفاوت بزرگی است میان ساختن یک آپارتمان و برج مسکونی به جهت تبدیل به عنصری اقتصادی و عشقی که پدرانمان نسبت به خانه های نیمه مخروبه بافت قدیم داشته اند. در جوامع غیر مدرن، آجرها قسمتی از وجود معمار است که به وسیله ملات عشق به یکدیگر متصل می شده اما در جوامع مدرن یا شبه مدرن مانند کشور های جوامع سوم، آجر قطعه ای از خاک است که قیمت آن مشخص بوده و باید در استفاده از آن صرفه جویی کرد. بر اساس تقسیم بندی جوامع مدرن به دو قسمت «سنت و مدرن» یا «شرق و غرب» است و چنانچه این تقسیم بندی

مشخص می‌کند هر جامعه یا شرقی و سنتی است، یا غربی و مدرن. این الگو، الگویی است که آرام آرام در جهان گسترش می‌یابد و در این دیدگاه جامعه سنتی محکوم بآب‌ودهی و انهدام است. این مساله در جوامع غیر مدرن ابعاد مختلفی یافته و در جامعه سنتی ایران، هند، مصر و سایر کشورهای مشابه با کشورهای مدرن بسیار متفاوت است. مدرنیسم و معماری مدرن دارای تفاوت‌های اساسی هستند که به بخشی از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود.

تفکر مدرن به عنوان یک جهان‌بینی و ایدئولوژی مطرح می‌شود، در حالی که معماری مدرن سبک معماری است که سده قبل اروپا و آمریکا را شکل داده است. از سوی دیگر معماری مدرن مربوط به زمان و مکان کاملاً مشخصی است، در حالی که جهان‌بینی مدرن فاقد مکان و زمان است.

به رغم این دو بحث که انفصال سبک و ایدئولوژی مدرن را ملزم می‌کند، به طور کلی شناسنامه معماری هیچ تفاوتی با تفکر مدرن نداشته و هر دو زائیده خلف‌گونه‌ای از زیست‌بشری هستند.

- مبانی معماری مدرن ایرانی و پایداری آن:

با توجه به شناخت حاصل شده از معماری مدرن غربی و معماری سنتی ایرانی، اکنون می‌توان پایداری این شیوه معماری را در جهان سوم و ایران بررسی کرد چرا که معماری مدرن در ایران، نه برگرفته از شناسنامه معماری مدرن، بلکه منطبق بر جامعه شبه مدرن است.



در جهت تشخیص خصایص معماری مدرن ایرانی، باید نقطه اشتراک معماری مدرن و جامعه مدرن را بررسی کرد. چراکه این خصوصیات به صورت ترکیبی معماری التقاطی معاصر را رقم می زند.

به طور کلی تفکرات و زیربنای فکری معماری معاصر ایران

عبارتند از:

• **انتقال سریع تفکرات و ایده ها:** این گزاره از خصایص جامعه مدرن است. چراکه جامعه مدرن بر مبنای سرعت انتقال اطلاعات پایه گذاری شده و این تبادل اطلاعات در نهایت موجب تعادل فرهنگ و الگوی معماری می شود.

• **تهران:** این شهر به عنوان پایتخت ایران و نقطه اتصال ایران و اروپا، مسئولیت پیچیده بطن این معماری را به عهده داشته است.

• **خاستگاه ها:** خاستگاه های معماری مدرن ایران انتقال فرهنگ فرمبده غرب به جامعه دون گرامی ایرانی بود. در این راستا حصار شهرها، تخریب شد و بافت های اورگانیک آنها به اشکال هندسی تحول یافت. در این دوره فرمول های غربی با امکانات ایرانی ساخته و اجرایی شد و در این مرحله معماری به عنوان ابزار فرهنگی عمل می کرد. در عین حال دومین خواستگاه این دوره، بهره گیری اقتصادی در معماری است. شاید بتوان دوران میانه معماری مدرن ایران را نخستین زمانی دانست که معماری به عنوان کالای اقتصادی معرفی می

شود. چراکه باتکیه بر اصول معماری مدرن یعنی حذف تزیینات، معماری نیک ابزار برای انعکاس فرهنگ، بلکه کالایی اقتصادی شود این دستور دچنان نمودار شد که معماری مدرن ایران به سبکی اقتصادی با نام ساز و بفروش تغییر رویه داد.

• روش پست رفت: استفاده از تکنولوژی وارداتی در ترکیب با اقلیم و تکنولوژی سنتی، روش های مختلف اجرا در ایران رقم زد که با تعمیرات محدودی در حال حاضر نیز استفاده می شود.

• مقیاس عمل: حرکت معماری از اروپا به تهران و از تهران به مراکز استان ها و شهر های اصلی بوده است.

• نتیجه عمل: انفصال معماری سنتی ایران و حرکت از شیوه اصفهانی به شیوه تهرانی و همه گیر شدن معماری مدرن ایرانی به صورت قالب و کلیشه در تمام نقاط کشور.

نبود مبانی فکری و تئوریک در معماری، تبدیل معمار به ساختمان ساز و نقشه کش، تفاسیر مختلف از دیدگاه مدرن در معماری و نامشخص بودن آینده معماری، مهم ترین پدیده های معماری جامعه شه مدرنیم است.

در حال زمانی که جوامع مدرن و فرامدرن، زیر بمباران اطلاعاتی قرار دارند و دوره پیدایش تا افول یک سبک به یک دهه می رسد، معماری ایران نه به عنوان سبک پیشگام که به عنوان یک قصد جلوه می کند.

به علت عدم تطابق فرهنگ و اختلاف زمانی در ارسال پیام های معماری از غرب به ایران، حالت پویایی و پیشرو بودن هنر معماری زیر پرده اقتصاد محو شده است و با توجه به همه این مسایل شناخت مفهومی از موقعیت اجتماعی معاصر لازم است تا بتوان معماری و کالبد آن را درک کرد و این مهم انجام نمی پذیرد مگر با درک کافی و جامع از تحولات جهانی.

بعنوان مصداق پیدای منفی مدیریت سنتی میتوان به مواردی از قبیل زیر اشاره کرد:

- خانه های قدیمی مغل آرامش با بوده است اما خانه های امروزی حتی محل آسایش مان هم نیستند. اگر آرامش باشد، حتماً آسایش هم مهیا است. آرامش برای روح است و آسایش برای جسم است.

- واحد های مسکونی آپارتمانی مدرن در نهایت - بعضاً - به زیبایی طراحی شده اند اما از نظر حفظ حریم درونی این گونه است که فرد یگانه با نواختن زنگ و باز شدن در ورودی ساختمان در یک نگاه تمام فضای خانه را می بیند حال اگر توالت در کنار آشپزخانه باشد فاجعه اختلال روابط خانوادگی شکل دیگری می گیرد.

- افراد چنین خانه ای به علت نبود فضای متفاوت، دئاد معرض مزاحمت هستند و از جمله با صدای تلویزیون، موسیقی و یا هر فعالیتی می توانند مزاحم همدیگر شوند به قدری که بعضاً از هم ناراحت می شوند. ساکنان این نوع خانه ها احساس آرامش و آسایش ندارند. لذا برای کسب آرامش و مطالعه ناچار باید به پارک بروند، با افراد یگانه آشنا شوند و از خود بپایند. در چنین وضع روز به روز افراد خانواده نسبت به هم فاصله می گیرند.

- در معماری سنتی، بچه ها ساعتها در حیاط خانه سرگرم بازی می شدند و از امروزی مکرر - فعلی - بزرگترها در محیط خانه های مدرن در امان بوده اند. همین امر تأمین کننده نیازهای روانی آنها بوده است. اما اکنون بر جای بلند نه تنها خود تأمین کننده این گونه نیازهای افراد نیستند بلکه با حضور زورمداران خود در محل، خانه های کوچک اطراف را که احتمالاً هنوز حیاطی و حوض آبی دارند غیرقابل استفاده کرده اند و

همینطور ترانس (بالکان) بالی که حداقل امکان تمدد اعصاب را فراهم می‌کرد، غیر قابل استفاده شده است. به نظری رسد محروم کردن انسان از حیاط خانه، به محرومیت او از حیات زندگی نزدیک تر شده است.

- در معماری امروزی شهرهای ما از نظر اجتماعی، بافت ناهمگونی دارند. بعنوان مثال در تهران قدیم کوی، برزن، محله، کلان محله و شهر معنای دیگری داشت در آن محله بالی به یکدیگر را می‌شناختند. این شناخت، مزایای اجتماعی بسیاری به همراه داشت. و مهم‌ترین آنها، وجود امنیت بود. یک غریبه که وارد محله‌ای می‌شد به راحتی مورد شناسایی قرار می‌گرفت. اما ساختار اجتماعی محله‌ها در شهرهای هم خورده است.

- منزل (comfortable Home) که محل نزول از مرکب و آرامش یافتن و استراحت کردن و نزول یافتن در محل سکونت و خانه بوده است، کم‌کم به الگوی تحمیلی و اجباری تبدیل شده که آشیانه یا خوابگاهی ناآرام و غیر متناسب با طبیعت و فطرت انسانی است و آسایش او، هویت و فرهنگ او را تحت الشعاع قرار داده است. به گفته مرحوم دکتر کریم پیرنیا قدیم خانه‌ها را آدم‌وار می‌ساختند، یعنی برای سکونت و راحتی انسان. اما تغییرات و تحولات غیر اصولی در ساخت ساز و تاسیسات و کاربرد مصالح ساختمانی و طراحی، خانه‌ها را تبدیل کرده به فضایی که دیگر راحتی و آسایش و لطافت ندارد و تنها سرپناهی است که به ناچار آن را می‌پذیریم و به آن پناه می‌بریم.

- شیوه‌های رایج ساخت و سازها در سه دهه اخیر، اکثراً مغایر با مؤلفه‌های ایرانی- اسلامی بوده و به‌چنان این تضاد استمرار دارد.
- ضابطه و نظام مندی‌ها از جمله رعایت ارتفاع بنا در پیکره معماری کنونی بی‌چ رعایت نشده و نمی‌شود. این ناهمگونی‌ها کاستی‌ها و غفلت‌ها سبب آشفتگی روان جامعه و ایجاد احساس بی‌حوصلگی هم برای ساکنان و هم برای چشم اندازهای اجتماعی شده‌اند.
- قطبی شدن شهرها و مناطق مسکونی به شمال و جنوب.
- چهره‌گری و ناخوشایند ساختن سازی و بلندمرتبه سازی بی‌رویه در سطح شهرها و مناطق.
- بهم ریختگی بافت‌های مسکونی، نابودسازی محیط زیست بشری.
- ساخت و سازهای تقلیدی، بدون الگوی صحیح و قابل قبول.
- خارج شدن از اصول و ضوابط سنتی و نوین در کاربرد مصالح و استفاده صحیح از آن و عدم رعایت سبک سازی در ساخت.

- علل انفعال معماری سنتی در برابر مدرنیسم:

معماری کالبدی است برای حلول روح جمعی و فردی زندگی بشری. اما روح ایرانیان عصر امروز چیست؟ آیا ایرانی امروز هویت فرهنگی خود را شناخته است؟ آیا در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی میدانده‌ای می‌خواهد؟ آیا تفسیر رسمی از اسلام، که زیربنای روابط و تعاملات جمعی امروز مردم ایران را تشکیل می‌دهد، می‌توانسته است به نیازهای پاسخ دهد؟

پایخ به این سوال یکی از عمده دلایل انفعال هویت معماری ماکه برگرفته از هویت فرهنگی ایرانیان است را روشن میکند. چون اگر ایرانی امروز هویت فرهنگی خود را شناخت بچگاه در برابر فرهنگی یگانه در موضع انفعال و تسلیم قرار نمیگرفت و باعث فراموشی معماری سنتی و ملی خود نمیشد.

اما علاوه بر عامل اساسی فوق، علل متعدد دیگری وجود دارند که باعث شده اند ما معماری سنتی خود را هم، با وجود اینکه قطعاً بنگلوی همه نیازهای امروزمایی بود، از دست داده ایم و گرفتار معماری مدرن کاملاً یگانه با خود شده ایم. برخی از این عوامل عبارتند از:

- انباشت سرمایه های سرگردان از یک سو و نیاز مفرط به تائین مسکن از دیگر سو طی دهه های گذشته تاکنون سبب شده که فرهنگ بازار و فروشی بر تاریخ چند هزار ساله معماری ایرانی حاکمیت گسترده ای یابد. در این راستا، بدون هیچ توجه به فرهنگ اصیل ملی در نقاط مختلف شهرهای کشور به ویژه در کلان شهر تهران تیشه های بدون تامل و اندیشه معنوی بر بناهایی با ساختارهای بومی- سنتی فرود آمد و یکی پس از دیگری خانه های باسبک و ساخت پیشین که نمونه هایی از شرایط کاملاً مناسب زندگی و رفاه نیازهای انسانی و مانوس و فراگیر روانی، فرهنگی، آسایش و امنیت زیستی بودند، تخریب شده و می شوند و جای آنها معماری مقلدانه مدرن به ترکیب آپارتمانهای چند واحدی طبقاتی، مجتمع ها و بلند مرتبه سازها رشد و نما کرده اند آنهم بدون هیچ قاعده و ضابطه در ارتفاع سازها که چشم را خسته می کنند.

- رشد بی رویه مهاجرت در دهه های گذشته و اخیر به شهرهای بزرگ و به ویژه کلان شهر تهران نیاز به تائین مسکن را بیشتر کرد. این فعل و انفعالات که خود دلایل متعددی دارد، موج تازه ای را در آپارتمان سازی گسترده تر کرده و فرهنگ بازار و فروشی به شدت

تمام رونق گرفته است. عده ای نیز که تقدیر کنی های سرگردان در اختیار داشته و دارند، حاکمیت ساخت و ساز مسکن را به دست گرفته اند. این رویه ساخت و ساز زمینه افزایش مهاجرت را عمیق و گسترده تر کرده طوری که معماری غیربومی و نمانوس بارو حیه عمومی، زیر سایه حاکمتری برج ها غنوده است.

- متأسفانه طراحی های جدید برگرفته از الگوهای غربی در دانشگاه های تدریس می شود. در حالی که در گذشته معماران بر اساس فرهنگ و نوع نیاز شهر با توجه به موقعیت آب و هوایی آموزش می دیدند. بنابراین نتیجه آن تربیت، هاسکنی معماری با مردم شهر و متجانس با هویت ملی بوده است.

- ایجاد کشور مادرانثوئی که در رشته معماری تحصیل می کند لزوماً فردی توانا و علاقمند به معماری نیست و معماری می خواند که مدرکی کسب کرده باشد و آن دسته از دانشجویان علاقمند هم در دوره آموزش با مباحث توری بیشتر آشنا می شوند و معمولاً امکانی برای تجربه دیدگاه های مختلفی که از سوی اساتید و نظریه پردازان معماری ارائه می شود ندارند تا به یک دیدگاه شخصی دست پیدا کنند. معمار فارغ التحصیل شده اگر به همت خود همه این مراحل را به بهترین شکل پشت سر بگذارد و وقتی وارد بازار کار معماری می شود، سراز حقایقی در می آورد که به او می گویند ایده آل هیت را فراموش کن و برای اینکه بانی و ادامه دهی فقط خط بکش! تنها یک عامل از میان نا کارآمدی سیاستگذاران عرصه معماری، کلونی های قدرت و ثروت و مافیای پروژه های ارزشمند و قابل اعتنا، بعلاوه آشفتگی بازار معماری، نبود متولی و مقصدی برای این حوزه، عدم شایسته سالاری، دریافت های آشفته از محیط برهم فضا های برهم ریخته شهر های کنونی،

نگنگ امضا فروشی، برده داری از نوع معارانه و از همه بیشتر سرعت و اقتصاد کافیت که یک معمار ایده آلیست منروی شود و یاتن به جریانات بسازد، چه رسد به اینکه معمار امروز با همه این مشکلات یکجا و همزمان روبرو است!

- فردی که در یک شهر سنتی یا کوچک یک سری آداب و رفتار را مراعات می کند اما بعد همین شخص در صحنه تلویزیون تصاویری از کلان شهرها و امکانات و... مشاهده می کند که در شهر کوچک آن طور نمی بیند چون اصلاً وجود ندارد. لذا در دوره هایی که مردم شناختن از محیط زندگی خود ارزش بود اکنون آن شناخت تبدیل به ضد ارزش شده است! وقتی انسان خودنمایی می کند، تابع مد می شود. بنابراین ساختمان ها هم به مد فرهنگی ساخته می شوند و به همین نحو ساختار اجتماعی، فرهنگی به هم می ریزد.

اما به نظرمی رسد معماری امروز ما بیش از آنکه از هر کدام از موارد فوق آسیب دیده باشد، مجروح بود یک سیستم مناسب و کارآمد برای هدایت، ساماندهی و کنترل بر معماری است. فراموش نکنیم همان طور که اشاره شد، معماری کالبدی است برای حلول روح جمعی و فردی زندگی بشری که شکل دهی به این کالبد به برنامه ریزی و طراحی سیستمی مناسب، قوی و علمی نیاز دارد.

- راه حل های پیش رو:

برای پیشنهاد راه حل برون رفت از این شرایط میتوان دو دیدگاه ارائه کرد.

دیدگاه اول فرض بر این گذاشته می شود که معماری امروز هویت خود را شناخته است. از این منظر عوامل تثبیت کننده و جهت دهنده به سوی این هویت، میتوانند معماری را از این بن بست خارج کند. اقداماتی از قبیل:

- ایجاد سیستم یکپارچه مدیریت و نظارت بر طرح های معماری و شهرسازی به منظور جهت دهی به آنها

- اصلاح کتب درسی و آموزشی دانشجویان معماری با جهت گیری مشخص

- اجرای سیاستهایی به منظور کنترل مهاجرت های بی رویه و ساخت و سازهای غیرقانونی و...

اما در دیدگاه دوم، هویت معماری ایران امروز هنوز نامعلوم و نامشخص است و برنامه اصلی باید در جهت بازسازی این هویت

باشد. اما چگونه؟ سه پاسخ برای این سوال قابل ارائه است:

۱- تقلید و تکرار الگوهای معماری سنتی، ۲- ترکیب معماری سنتی و مدرن، ۳- بازتعریف هویت معماری با تکیه بر اصول دینی

و ملی و با توجه به نیازهای امروز انسان ایرانی.

۱- تقلید و تکرار الگوهای معماری سنتی: باید گفت که اصولا ما نمی توانیم بدون در نظر گرفتن نیازهای دوران خودمان فضاهای

معماری و شهری را صرفا مطابق الگوهای ذهنی سازمان دهی کنیم چون اصولا معماری تابع شرایط محیط خود شکل می گیرد و نیازهای هر دوره

است که بر شکل معماری و شهرسازی تاثیر می گذارد و ارزشمند بودن این بناها به این جهت است که آنها محصول نیازهای مردمی

بوده اند که آنها را به وجود آورده اند که طبیعتا با امکانات تکنیکی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی زمان خودشان کاملا هماهنگ بوده اند. اصولا

ارزش یک معماری در هر دوره به این است که آن بنا بتواند پاسخگوی واقعی نیازهای زمان خود باشد. حال اگر قرار باشد مادر کناریک

اثر تاریخی بنایی احداث کنیم آیا برای احترام و ارزش گذاری و حفظ هویت آن بنایم بایست ساختمان جدید مطابق همان معیارها به

محافظ فرم، شکل و حتی استفاده از همان مصالح ساخته شود؟ در این صورت یادمان های دوره مابرای آیندگان چه خواهد بود؟

توجه به این نکته مهم ضرورت دارد که اصولاً ساختمانی ارزشمند است که توانسته باشد نیازهای زمان خود را پاسخگو باشد و هر چه در این راه موفق تر عمل کند ارزش آن بنا بیشتر خواهد بود، حال چنان چه مثلاً در کنار مسجد شیخ لطف الله مسجدی بسازیم که همان فرم ها و همان مصالح و نهایتاً همان کنبه را تکرار کند آیا این بنا می تواند به عنوان یک بنای با ارزش و نشانه معماری دوران ما برای آیندگان واجد هویت و ارزش باشد؟ آیا کنبه زیبای مسجد شیخ لطف الله که در اوج هنرمندی و خلاقیت با تکنولوژی محدود زمان خود اعجاب ما را برانگیخته، همان ارزشی را دارد که ما در کنار آن، مسجدی با همان کنبه ولی با پوسته بتونی و تکنولوژی امروزی بسازیم؟ آیا تکرار عناصر تاریخی به صرف ارزش های فرهنگی آنها و به صرف الگوهای ذهنی از گذشته، یک فرالسیم و ضد ارزش نخواهد بود؟

۲- ترکیب معماری سنتی و مدرن: چنین نظریه ای چندین سال است که در جامعه ی معماری ایران مطرح است و بحث های زیادی راجع به آن شده که هیچ کدام نتیجه نداده است. در آیین سخن معماری سنتی و مدرن فقط در حرف آسان است. این طرح طرفداران بسیاری دارد اما واقعاً چند نمونه موفق از آن را میتوان یافت؟

این طرح و اجرا کردن آن زمانی در کشور ما مد بوده است که آن هم ریشه در تفکر اروپا دارد. بعنوان مثال چندین سال پیش پست مدرنیسم در اروپا رواج پیدا کرد و به ایران هم سرایت کرد و نتیجه آن ساخت برج آزادی، موزه هنرهای معاصر، شهرک نوشهر نو، خوابگاه دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) و چند بنای دیگر شد. اما آیا این الگوها، الگوهای قابل تکراری هستند یا این که به صورت تک ساختمانی می توانند باقی بمانند. در ۳۰ سال اخیر تبلیغات زیادی مبنی بر ادغام معماری سنتی و مدرن شده است، اما واقعیت این است که سرسخت ترین مدافعان این تئوری هم به نتیجه نرسیدند.

برای احیای معماری سنتی و یا آمیزش آن با معماری مدرن یا باید به تقلید شکل پرداخت یا الگوها را تکرار و یا مفاهیم را بازسازی کرد که تکرار شکل مایه دلیل تغییر مهندسی ساخت امکان ندارد. تکرار الگوها مثل ساخت ساختمانهای با ۴ ایوان و حیاط مرکزی با بالا رفتن ارتفاع بناها دیگر جواب نمی دهد و بازسازی مفاهیم مثل حرکت از سکینی به سبکی کم شدن جرم و اضافه شدن فضا و شفافیت در بنا هم علاوه بر کاربرد نمانده است. نگاه کنید به برجهای شیشه ای که می سازند و می خواهند آن را با هویت ما ربط دهند اما این برج مبدترین نوع معماری در ایران است.

۳- بازتعریف هویت معماری با تکیه بر اصول دینی و ملی و با توجه به نیازهای امروز انسان ایرانی: هویت معماری چنبری جز



هویت فرهنگی ایرانی امروز نیست و هویت ایرانی، چنبری جدا از من ایرانی که در این روزگار زندگی می کنم نیست. هویت ایرانی امروز، یک هویت لایه لایه و متضاد است. اما هویت ایرانی قدیم یک دست و یکمن بود. ایرانی امروز دیگر آن هویت یک دست را ندارد.

برای مثال می گویند سمنیک خود روی ملی است. چرا هیچ کس از طراحان این اتوبیل نمی پرسد که هویت ایرانی این اتوبیل کجاست؟ درباره لباس هم همین قضیه

وجود دارد لباس ما ایرانی ها هم ریشه در تمدن دارد پس چرا دیگر اکنون از لباسهای سنتی استفاده نمی کنیم؟ پس مایه نشانه های هویت جدید و امروزی خود را پیدا کنیم.

بررسی نمونه‌ای از تجارب انجام گرفته در دوره‌های مختلف در کشورهای صاحب نام اروپایی می‌تواند در این خصوص مفید فایده قرار بگیرد. در اروپای قرن نوزدهم و در زمانی که اروپا در بحران معماری و شهرسازی و رکود ایده‌های هنری گرفتار بود، تفکرات خشک و خسته‌کننده آکادمیک با تأکید بر ارزش‌های معماری گذشته به خصوص معماری کلاسیک اجازه هرگونه نوع آوری و تحول را ناممکن ساخته بود، به علت عدم تطابق این معماری را با نیازهای زمان خود که زمان انقلاب صنعتی و نوع آوری تکنیک و تکنولوژی در تمام زمینه‌ها بود، از یک سو، شهرهای صنعتی دچار کمبود تپولوژی‌های مختلف ساختمانی شد و به دنبال آن بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دامن گیر جوامع غربی شد. از سوی دیگر، دست‌اندرکاران معماری و شهرسازی غرق در مباحث آکادمیک و بی‌توجه به نیازهای روزافزون معماری و شهرسازی، ارتباط خود را با جامعه و مردم از دست داده بودند. در این شرایط، متخصصان دیگر یکارشته و بادرک هویت جدید مردم اروپای مدرن، با نوآوری‌های خود به کمک نیازهای ساختمانی مردم شتافتند. این نوع آوری‌ها که زائیده صنعت و صنعتی شدن جوامع شهری بود و دقیقاً با استفاده از فرآورده‌های صنعتی و تکنولوژی‌های نو، علی‌رغم مقاوم شدید محافظه‌کاران موفق شدند با ایده‌های متورانه راهگشای ورود به جوامع مدرن و پشت سر گذاشتن سنت‌های دست و پاگیر مبتنی بر کلاسیسم شوند. در یکی از این اقدامات در شهر پاریس یعنی مرکز آکادمی هنر و معماری محافظه‌کاران اروپا، در نایگاه جهانی ۱۸۸۹ برجی ساخته شد که امروزه سبیل بلامنازع پاریس یعنی عروس شهرهای جهان است.

در نتیجه راه حل نهایی این است که باید در جستجوی بازتعریف هویت فرهنگی جدید برای خود باشیم و در این مهم باید بر تاریخ ملی و خصوصاً اسلامی خود تکیه کرده و با توجه به نیازهای امروز بشر به نوآوری بر پایه‌ی اصول دینی و اعتقادی خود پیرامونیم و پس از اینکه

این هویت را با قییم و از بند هویت‌های متضاد و چندلایه خلاص شدیم، به گسترش این هویت نو، در سایر عرصه‌های اجتماعی و هنری از جمله معماری دست زده و با تمهیداتی از قبیل آنچه در دیدگاه اول بیان شد، آن را در فرهنگ خود نهادینه کنیم.

- منابع و مأخذ:

- مقدمه: - روزنامه کیهان، صفحه گزارش روز، ۱۳۸۶/۱۰/۳
- مقاله انسان معماری هنر، سایت معارانه (memaraneh.ir)
- معماری سنتی ایرانی: - روزنامه کیهان، صفحه گزارش روز، ۱۳۸۶/۱۰/۴ و ۳
- مقاله معماری ایرانی، سایت خبری آفتاب (aftab.ir)، سایت معماری
- مقاله معماری پیش از اسلام، سایت خبری آفتاب (aftab.ir)، سایت شبکه رشد
- مقاله معماری قبل از اسلام، سایت خبری آفتاب (aftab.ir)، سایت صنایع مس ایران
- بک شناسی معماری ایرانی، سایت ویکی پدیا (fa.wikipedia.com)
- معماری مدرن: - مقاله مدرنیته و معماری معاصر ایران، سایت خبری آفتاب (aftab.ir)، سایت هنر ایران
- مبانی معماری مدرن ایرانی و پیامدهای آن: - مقاله مدرنیته و معماری معاصر ایران، سایت خبری آفتاب (aftab.ir)
- سایت هنر ایران
- روزنامه کیهان، صفحه گزارش روز، ۱۳۸۶/۱۰/۵ و ۴
- مقاله انسان معماری هنر، سایت معارانه (memaraneh.ir)

• **علل انفعال معماری سنتی در برابر مدرنیسم:** - مقاله تنهایک خلاء بزرگ، آذمهاجر، سایت خبری آفتاب (aftab.ir)

- روزنامه کیهان، صفحه گزارش روز، ۶/۱۰/۱۳۸۶

• **راه حل های پیش رو:** - مقاله هویت تاریخی در معماری، کمال یوسف پور، سایت خبری آفتاب (aftab.ir)

سایت آرونا (پایگاه اختصاصی معماری و شهرسازی)

- مقاله معماری امروز معماری گذشته، سایت معمارانه (memaraneh.ir)

- مقاله مساله این است سنتی یا مدرن، بابک شکوفی، سایت خبری آفتاب (aftab.ir)